



گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود عالی درباره چگونگی جلوگیری حضرت زهرا (س) از سقوط جامعه و تاریخ به قعر گمراهی و ظلمت

نور ظلمت شکن



دخت مکرم رسول خدا ناممکن می‌نماید. اما به حکم «آب دریا را اگر نتوان کنسید / هم به قدر تشنگی باید چشید» باید از نقش ویژه حضرت زهرا در مسائل صدر اسلام بویژه بعد از وفات خاتم النبیا پیش کرد. در همین رابطه با حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود عالی، پژوهشگر و کارشناس دینی گفت‌وگو کردیم.

سخن گفتن و نوشتن از مقام و عظمت حضرت صدیقه اطهر، علمی می‌خواهد به وسعت علم لدنی حضرت ختمی مرتب. از همین رو برای آشنایی با آن وجود قدسی باید به روایات و احادیث رسول خدا و نفس گرامی ایشان حضرت امیرالمؤمنان علی (ع) رجوع کرد. زمانی که به این روایات مراجعه می‌کنیم، عقل از عظمت آن نور قدسی حیران می‌ماند و درک جایگاه



■ در روایات متعددی که از اهل بیت عصمت و طهارت برای ما نقل شده، جایگاه و نقش ویژه‌ای برای حضرت زهرا (س) ذکر شده است. این نقش ویژه حضرت زهرا در تاریخ رسالت و امامت چیست و عظمت حضرت فاطمه (س) که در احادیث ما متبلور است به چه علت است؟

در زمان وجود مقدس امیرالمؤمنین و بعد از رحلت پیامبر اعظم (ص) رابطه بین امت و امام نور، داشت قطع می‌شد که اگر قطع می‌شد، تاریخ به ظلمت کشیده می‌شد. آن کسانی که این رابطه را می‌خواستند قطع کنند، همت بزرگی داشتند فکر نکنیم فقط اولیای خدا همت‌شان بلند است، شیطان و اولیای شیطان هم در کفر شرح صدر دارند و آنها هم خواب و خوراک ندارند و بسیاری پرکارند و در مسیر خودشان کوتاهی ندارند. قصدشان فقط جامعه زمان بکشاند و رابطه بین امت و امام نور قطع شود و دیگر رشد شکل بگیرد و عدالت از بین برود. اینجاست که خداوند متعال یک وجود نورانی و درخشان را به عالم پایین فرستاد و حضرت زهرا (س) به عنوان درخشان‌ترین وجود جلوی این ظلمت را گرفت. مأموریت حضرت زهرا (س) این بود که رابطه بین امت و امام را که داشت قطع می‌شد، ترمیم کند. در جلد ۴۳ بحارالانوار روایتی است درباره وقتی نور مقدس زهرا (س) در آسمان‌ها تابید، «حدیث فی السماء نور زهرا لم تره الملائکه قبل ذلک نوری در آسمان‌ها و عالم بالا نمایان شد که ملائکه قبل از آن ندیده بودند».

یک روایتی است که وقتی انسان کنار این روایت قرار می‌گیرد، فقط احساس کوچکی می‌کند و بهت‌زده می‌شود. من این روایت را فقط ترجمه می‌کنم.

سوال کرد که برای چه به مادر شما زهرا (س) می‌گویند؟ امام صادق (ع) یک وجه را معنا کرد و فرمود: لَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ عَظِيمٍ؛ خداوند متعال مادران زهرای اطهر را از نور عظمت خود خلق کرد. وجود نوری حضرت زهرا (س) واسطه ندارد.

در حدیث قدسی دیگری خداوند فرمود: من این نور را در صلب نبی از انبیا خودم قرار می‌دهم که بر همه انبیا برتری دارد. از ظاهر این روایت بر می‌آید که نور حضرت زهرا (س) از اصلاص انبیا نگذاشته و مستقیم در صلب پیامبر گذاشته شده و روایت معراج هم همین را تایید می‌کند: نور زهرای اطهر (س) انوار اتمه را من خراج می‌کنم.

این را می‌توان فهمید که انوار اتمه یعنی نور مقدس امام زمان، امام صادق، امام حسین از نور حضرت زهرا (س) است و نور حضرت زهرا (س) از خداست.

یعنی اهل بیت (ع) وجود نورانی‌شان با واسطه از خداوند متعال با واسطه نور حضرت زهرا (س) است. یعنی فیض از وجود مقدس پروردگار به واسطه حضرت زهرا (س) به آنها رسید. این همانی است که امام حسن عسکری فرمود: ما اهل بیت (ع) حجت خدا بر مردم هستیم و مادرمان زهرا حجت خدا بر ما است. من و شما شیعه هستیم و می‌فهمیم حجت در ذهن ما یک مفهوم بلندی است و حجت‌الله یعنی کسی که واسطه فیض است. امام حسن عسکری می‌فرماید: مادر ما زهرا حجت خدا بر ما است و فیوضاتی از حضرت زهرا (س) به آنها می‌رسد.

در روایت معراج هست که نور حضرت زهرا (س) وقتی می‌خواست تنزل کند و به عالم پایین بیاید، پیغمبر را بالا بردند، از آسمان‌های هفتگانه که مراتب انبیا بود گذشت.

روایتی که در اصول کافی نقل شده، فرمود کسی که به صورت پنهانی عمل خیری را انجام می‌دهد، مثلا صدقه‌ای پنهانی می‌دهد، ثواب عمل پنهان ۷۰ برابر از عمل آشکار بیشتر است، یعنی این ۷۰ درجه شما را بالاتر می‌برد اما از آن طرف اگر کسی یک عملی را انجام می‌دهد، بعد یک مرتبه این عمل را به گوش این و آن می‌رساند که من این کار را کردم، خداوند متعال به ملائکه می‌فرماید: ملائکه من ثواب عمل پنهان او را پاک بکنید و برایش ثواب عمل آشکار اعمال آرد. سرور خدا داشته باشد. هیاهو داشته باشد. خدا رحمت کند مرحوم آیت‌الله سیدحسین اصفهانی، این فیلسوف و فقیه اصولی و بزرگوار را که اهل مراقبه و ذکر هم بود، ایشان نقل می‌کنند که در حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) مکاشفه دیدم. حضرت فرمود: فلاتی سجده‌های طولانی را در خانه انجام بدهید، نیازی نیست که در جایی که ممکن است برای شیطان مورد طمع قرار بگیرید این کارهای طولانی را اینجا انجام دهید.

ولی عجیب این است که درباره بعضی از اعمال دینی به ما گفته شده است که هر چه پرسرودناز و برپه‌هاوت باشد بهتر است. هر چی بیشتر بتولید به چشم‌ها ارائه بدهید و به گوش‌ها بشنوید مطلوب خداست. اصطلاحاً این دسته چیزهایی که نشانه است، علامت است. شعائر جمع شعائر، یعنی آن به دین، علامت و ابستگی ما به مذهب، علامت شیعه بودن ما علامت مسلمان بودن و دیندار بودن ما. بعضی از این اعمالی را که به عنوان علامت و شعار محسوب می‌شوند هر چه آدم اظهار بکند و اعلام بکند بهتر و مطلوب‌تر است. چرا؟ چون اسلام دین یک فردی نیست که شما در حوزه مسائل خصوصی و شخصی‌تان فقط دیندار باشید و در بیرون هیچ تظاهری به دین نداشته باشید. نخیر، اسلام یک دین اجتماعی است که تا قیامت می‌خواهد بلند از هم در یک مقیاس جهانی. خداوند متعال می‌خواهد نشان بدهد این دین طرفدار دارد و این طرفدارهایش زنده است، از این جهت باید بعضی از چیزهایی که نشانه دینداری هست را اظهار بکنیم. جبهه کفر کثیف‌ترین و مبتذل‌ترین چیزها را الان دارد بدون اینکه خجالت بکشد در دنیا پیش می‌کند ما چرا خجالت بکشیم از دینداری خودمان، ما چرا خجالت بکشیم از بعضی از نمادهای دینی خودمان. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «ذَلِكُمْ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَهُ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حجج: ۳۲) آن کسی که شعارها و نشانه‌های ابستگی به دین را زنده نگه بدارد و تعظیم بکند، این تقوای قلب دارد، این عمیقاً و باطناً با تقوا هست. یک مسلمان و یک مؤمن باید در تیب و قیافه و در لباس و پوشش خود با کافران متفاوت باشد، در کاسی و بازارش در سبک و مدل زندگی‌اش باید نشان بدهد که با کافر فرق دارد.

یکی از شعارهای دینی که بحمدالله در بین ما پررنگ هست و هر سال دارد پررنگ‌تر می‌شود مجالس اهل‌بیت است؛ چه مجلس عزای اهل‌بیت، چه مجلس شادی اهل‌بیت. عزاداری‌ها قطعاً یکی از شعائر و نشانه‌های زنده بودن دین و مذهب است که هر چه کمیت و کیفیتش بالاتر برود این نشانه رشد مؤمنان است. مجالسی که اهل‌بیت از زمان خودشان هم توصیه می‌کردند. این توصیه‌ها هم به صورت زبانی بود و هم خودشان تا جایی که امکان پذیر بود عملاً مجلس می‌گرفتند. امام‌صادق (ع) در وسائل‌الشیعه به فضیلت بیان فرمود: آنجلسون و تحدون؛ دور هم جمع می‌شوید یا هم حرف می‌زنید؟ راجع به ما اهل‌بیت مجلس می‌گیرید فضیلت گفت: بله آقا امام‌صادق (ع) فرمود: ائی‌احب تلک المجالس؛ من این مجالس را دوست دارم. امام‌صادق (ع) می‌فرماید من این مجالس را دوست دارم یعنی کسانی

را که این مجالس را برپا می‌کنند دوست دارند. ابوهارون در محضر امام‌صادق (ع) روضه خواند وقتی که تمام شد همه گریه کردند. امام‌صادق (ع) فرمود: ابوهارون تعداد ملائکه که حضور داشتن و گریستن از تعداد انسان‌هایی که آمده بودند بیشتر بود. این مجالس نور است. مجالس رحمت است. اهل‌بیت توصیه می‌کردند هم لفظاً، هم عملاً بر حفظ این مجالس. شما ببینید در طول تاریخ آنچه که اسلام و شیعه را نگه داشت همین مجالس بود. ما شیعه بودن خودمان را در کلاس درس یاد نگرفتیم بلکه در همین مجالس یاد گرفتیم. در همین مجالس بود که به نفع جبهه حق هم عقل‌ها و شعورها هم شور و احساس و عواطف رشد کرد. الان ببینید میلیون‌ها دلار خرج می‌کنند؛ میلیون‌ها ساعت خلاف، هزاران شبکه مبتذل و رسانه‌های متعدد برای بمباران تبلیغاتی علیه دین درست کرده‌اند اما شما می‌بینید یک مرتبه یک محرم و فاطمیه می‌آید همه این کثافات را می‌شوید و می‌برد. این مهندسی خداست و در هیچ دین و مذهبی هیچ‌چیز مانداریم. این طراحی خداست برای ماندگار شدن این دین و تطهیر دینداران.

در بین همه مجالس اهل‌بیت ۲ مجلس ویژگی خاصی دارد، یکی محرم و یکی هم محرم یعنی فاطمیه و ویژگی خاص اینها این است که این ۲ مجلس دفاع از نشانه‌ها و نمادهاست. در این ۲ مجلس است که حماسه هست، ظلم‌ستیزی هست، دفاع از مظلوم ولایت‌پذیری هست؛ در این مجالس توبی و تبری و همه‌نشانه‌بلوغ شیعه است. هرگاه دیدید مجالس محرم و فاطمیه کمیتش و کیفیتش بیشتر دارد می‌شود این شاخص‌ها دارد رشد می‌کند که نشانه قرب ظهور در رشد این مجالس است. شیعیان برای اینکه ظهور حضرت را نزدیک بکنند باید کارهایی انجام بدهند، باید تجولی در جامعه رخ بدهند، باید خصوصیات پیدا بشود. چرا به صورت ویژه بر این ۲ مراسم تاکید شده است؟

■ چرا این تاکید بر ماه مبارک رمضان یا مراسمات عبادی دیگر ما نیست؟

ببینید! مجالس ماه رمضان هم خیلی عزیز است، مجالس اعتکاف هم خیلی ارزشمند است اما این مجالس محرم و فاطمیه است که حماسه است شور ظلم‌ستیزی است، حقیقتی، عدالت‌طلبی و توبی و تبری است؛ اینها نشانه‌های رشد است. ۲ زن بودند در طول تاریخ که حماسی‌ترین زنان تاریخ هستند، اینها تأثیرگذارترین زنان بر تاریخ هستند چرا که در زمانی که مردشان مأمور به سکوت بود، با تمام دین را این ۲ زن کشیدند و تا قیامت هر مؤمنی مدیون این ۲ زن است. یکی وجود مقدس فاطمه زهرا (س) که در زمانی که امیرالمؤمنین (ع) مأمور به سکوت بود، او می‌آمد بیرون و بار دین را کشید و دیگری دختر مکرمه‌شان حضرت زینب (س) بود؛ زمانی که امام سجاد (ع) مأمور به سکوت بود او آمد و ظهور و بروز کرد و پیام عاشورا را به گوش تاریخ رساند. وجود مقدس حضرت زهرا (س) نبی نبود، پیغمبر نبود، امام نبود اما حافظ نبوت و امامت بود؛ هم نبوت هم امامت. حدیث معروفی از پیغمبر نقل شده است که البته حدیث قدسی است و از طریق پیغمبر هست. بعضی‌ها سند آن را نتوانستند بپذیرند و حتی گاهی اوقات به این حدیث نسبت غلو دادند. «یا احمد لولاک لما خلقت الأفلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکم!» اگر تو نبودی عالم هم‌طور که می‌ناید مرحوم علامه امینی (ره) دلبستگی شدیدی به مساله ولایت و محبت اهل‌بیت داشتند. ایشان برای نوشتن کتاب الغدیر ۱۰ هزار جلد کتاب را (غیر از کتاب‌های مرجع که به آنها رجوع می‌کرد) خوانده بود. یکی از خواب‌های من گفت من به همراه شهید سعیدی رفتم به عبادت علامه امینی (ره) او تعریف می‌کند وقتی رفتم ایشان حالش خوب نبود و دراز انداخته زهرای اطهر،

به ما گفت خیلی مزاحمش نشوید، گفتیم چند دقیقه کوتاه عبادت می‌کنیم و می‌رویم. می‌گفت وقتی خدمت علامه امینی (ره) رسیدیم به ایشان گفتیم که حاج آقا یک روایتی است راجع به حضرت زهرا (س) می‌خواهیم از شما بپرسیم. تا اسم حضرت زهرا (س) آمد پاهای‌شان را جمع کرد و به زور نشست، گفت یک متکا پشت سر من بگذارید. ما گفتیم حاج آقا بخوابید، دراز بکشید ما از شما می‌پرسیم، گفت نه اسم فاطمه زهرا آمد و من پاهایم دراز باشد؟ خیلی معرفت داشت. بعد از ایشان پرسیدم که این حدیث «یا احمد لولاک لما خلقت الأفلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکم» سند دارد؟ علامه امینی فرمودند بله که سند دارد. کتاب کشکول سند صحیحی نقل کرده از جابر بن عبدالله انصاری تا پیغمبر اکرم (ص). بعضی از فضایی بزرگوار قم یک کتاب مستقلی نوشتند به نام «لولا فاطمه» که اسناد این حدیث و مفهوم و دلالتش کاملاً ذکر شده است.

■ ممکن است برای عده‌ای این سوال پیش بیاید که طبق این حدیث مقام حضرت فاطمه زهرا از مقام حضرت رسول و امیرالمؤمنین بالاتر است، چرا که این ۲ بزرگوار برای حضرت صدیقه آفریده شده‌اند؛ پاسخ شما به این سوال چیست؟

در این حدیث اصلاً خداوند متعال نمی‌خواهد بفرماید مثلاً حضرت علی (ع) از پیغمبر اکرم (ص) بالاتر بود یا حضرت زهرا (س) از آن دو بالاتر بودند، اصلاً بحث سب بالاتر بودن و پایین‌تر بودن نیست. پروردگار عالم در این حدیث می‌خواهد بفرماید که من عالم را خلق کردم برای بندگی، بندگی هم باید ۳ ضلع داشته باشد تا این بندگی به‌طور کامل محقق بشود. یکی رسالت پیغمبر است، یکی امامت علی است که تداوم رسالت است که اگر او نبود تو را خلق نمی‌کردم و یکی حافظ رسالت و امامت حضرت زهرا (س) است که اگر او نبود نه رسالتی بود نه امامتی. فاطمه زهرا (س) فقط امامت را حفظ نکرد بلکه رسالت پدرش را هم حفظ کرد. یک موقع هست در یک زمانی مجال برای سخنرانی و حرف و کلام هست که آدم حق را به واسطه کلاس و سخنرانی و با این جور چیزها به گوش مردم بتواند برساند، مثل زمان امام باقر (ع)، مثل زمان امام صادق (ع)، مثل زمان امام‌زحرا (ع) که مجالی پیدا شد برای سخنرانی، برای حرف، برای کلاس گذاشتن، برای مجلس مناظره اما یک موقع شیطان آنچنان فضا را تیره و تار و آلوده کرده است که اصلاً حرف به گوش نمی‌رسد. آنجا جای حرف نیست، جای سخنرانی نیست، آنجا سلاح دیگری کار می‌کند، آنجا باید به مردمی که تو می‌بازاری یک تبلیغات مسموم وارد شدند شوک وارد کرد، مثل زمان ابا‌عبدالله (ع) که شوک وارد کرد به جامعه، حضرت زهرا (س) در عین حالی که سخنرانی هم داشت خطبه فدکیه را هم خواند رسید که این وجود مقدس باید یک شوک وارد بکند که همه را بیدار بکند که حق کجاست، باطل کجاست. حدیثی غیر از حضرت زهرا (س) نمی‌توانست این کار را انجام بدهد این کار سلمان و ابوذر نیست، باید دختر پیغمبر این کار را انجام دهد. شاید سر اینکه حضرت زهرا (س) دعا می‌کرد که اللهم عجل وفاتی سرعاً؛ خدا! بی‌شهادت من را برسان، همین باشد، چرا که فقط در این صورت است که جامعه و تاریخ بیدار می‌شود. اگر پیغمبر اکرم (ص) چند فرزند می‌داشت و یکی از آنها به شهادت می‌رسید باز آنچنان شوک وارد نمی‌شد و دل‌ها نمی‌سوخت ولی پیغمبر اکرم (ص) فقط یک یادگار بیشتر نداشت بقصه فرزندانی پیغمبر از دنیا رفته بودند اگر حضرت زهرا (س) مثل کسی بود که در یک جنگ به شهادت می‌رسید، آنچنان دل‌ها نمی‌سوخت و شوک وارد نمی‌کرد که در پشت در منزل خود از پا در بیاید. اینها همه شوک وارد می‌کند. این خانم بزرگوار باید با مظلومیتش پیام حق را به گوش تاریخ برساند و با بلا و مصیبتی که بر او وارد شد جامعه و تاریخ را بیدار و هوشیار کند.

مروری کوتاه بر بیانات رهبر انقلاب درباره سیره خانوادگی و اجتماعی - سیاسی حضرت فاطمه زهرا (س)

یک رهبر به تمام معنا

مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال می‌کنند اینها با هم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این ۳ چیز با یکدیگر منافات و تضدیت که ندارد، در شخصیت انسان کامل، کمک کننده هم است.

فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها در نقش یک رهبر واقعی است؛ همان‌طور که امام بزرگوار فرمودند که اگر فاطمه زهرا مرد بود، پیغمبر می‌شد. این‌اخیلی حرف عجیبی است، خیلی حرف

بزرگی است و جز از زبان کسی مثل امام بزرگوار که هم عالم بود، هم فقیه بود، هم عارف بود، انسان این حرف را نمی‌تواند بشنود اما ایشان گفته است این حرف را. فاطمه زهرا! این است؛ یعنی یک رهبر به تمام معنا، مثل یک پیغمبر، مثل یک هدایتگر عموم بشر؛ در این حد و در این اندازه زهرای اطهر، دختر جوان، ظاهر می‌شود؛ این زن اسلام است.

زن مسلمان در زندگی شخصی، اجتماعی و

خانوادگی خود باید زندگی فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها را از جهت خردمندی، فرزندی و عقل و معرفت الگو و سرمشق خود قرار دهند و از بعد عبادت، مجاهدت، حضور در صحنه تصمیم‌گیری‌های عظیم اجتماعی، خانه‌داری، همسر داری و تربیت فرزندان صالح از زهرای اطهر سلام‌الله‌علیها پیروی کنند، زیرا زندگی آن بانوی بزرگ اسلام نشان می‌دهد زن مسلمان برای ورود در صحنه سیاست و میدان کار و تلاش و نیز ایفای نقش فعال در جامعه همواره با تحصیل، عبادت، همسر داری و تربیت فرزندان می‌تواند پیرو فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها باشد و دخت گرامی پیامبر عظیم‌الشان الهی را الگوی خود قرار دهد.